





رساله دکتری رشته فقه اسلامی

مذاق شارع و نقش آن در استنباط

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین مهدی مهریزی

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین مجتبی فاضل

طلبه:

علیمحمد حیدر سرلک

دی ماه ۱۳۹۵

مسئولیت مطالب مندرج در این رساله به

عهده نویسنده است و هرگونه استفاده از آن

با ذکر منبع، اشکالی ندارد و نشر آن بدون

اجازه از جامعه المصطفی (ص) ممنوع

می باشد.

تقدیم به...

ام ائمه غرر

بضعه سید بشر سلام الله علیها

بحکم «من علمنی حرفه صیرنی عبدا»...

قدردانی و سپاس از زحمات خالصانه همه اساتید معظم و مکرم را بر خود لازم می دانم،
بویره اساتید معظم در دوره خارج فقه و اصول مدرسه مبارکه حجتیه، اساتید مکرم گروه
های فقه و اصول و اساتید محترم راهنا و مشاور حج اسلام مهریزی و فاضل، و از
خداوند متعال برای همه این عزیزان، توفیق روز افزون را مسالت مینمایم.

چکیده

مساله اساسی در این تحقیق؛ تبیین چیستی مذاق شارع و نقش آن در استنباط احکام است. تحلیل و بررسی مبتنی بر داده های کتابخانه‌ای و رجوع به منابع مکتوب از سوی نگارنده - در قالب چهار بخش تحقیق حاضر- نشان می دهد؛ واژه «مذاق» از سده یازدهم هجری و مقارن با دوران شکوفایی حوزه علمیه اصفهان، در ادبیات دینی شیعه ظهور یافته است. در چنین فضایی است که مرحوم ملا احمد نراقی (متوفی: ۱۲۰۹ ق) به عنوان اولین فقیه امامی، از ترکیب «مذاق الشرع» بهره می گیرند و در پی آن؛ با استدلالات و استناد های متعدد فقهای شاخص و برجسته ای چون صاحب جواهر رضوان الله علیه به مذاق شارع، این ترکیب در نزد فقها، مقبولیتی عام می یابد. هرچند محققان معانی متعددی برای مذاق شارع ذکر کرده اند، اما؛ بدیهی ترین و در عین حال صحیح ترین معنای یک اصطلاح و ترکیب را، باید در فضای زایش آن و در نزد واضع آن یافت، که بنابر یافته های نویسنده باید گفت:

اولاً؛ مذاق شرع، معنایی از قبیل، «مذهب شرع»، «نظام شریعت» و «دستگاه شرع» دارد ولذا؛ اگر شرع را، همان دستگاهی بدانیم که شارع برای تامین سعادت دنیوی و اخروی بشر طراحی نموده، به حکم قصور ما از درک واقع؛ «مذاق شارع»، ظاهر و انعکاسی است از دستگاه واقعی شرع، در ذهن یک فقیه.

ثانیاً؛ یک فقیه بعد از نیل به قوه اجتهاد و پس از ممارست فراوان با ادله شرعی، در ذهن خویش به چهارچوب و نظام واره ای از شریعت دست می یابد، این ساختار ذهنی؛ همان مذاق و دستگاه شریعت است که پس از حصول و ساخته شدن در ذهن یک فقیه، خط و ربط وی را در کلیه استدلالات جهت داده و بسان سنگ محکی؛ به وی قدرت سنجش و ارزیابی ادله مختلف و حکم در موارد غیرمنصوص را هم می دهد.

کلمات کلیدی:

مذاق شارع، دستگاه شریعت، طریقه شارع، نظام شریعت، نظام سازی.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
بخش اول: کلیات و مفاهیم	۸
۱-۱. مفهوم شناسی	۹
۲-۱. چیستی مذاق شارع	۱۳
۳-۱. سیر تاریخی کاربرد مذاق	۱۸
۴-۱. موارد کاربرد مذاق شارع در فقه	۲۰
۱-۴-۱. مذاق شرع	۲۱
۲-۴-۱. مذاق شریعت	۵۴
۳-۴-۱. مذاق شارع	۵۷
۵-۱. نتیجه گیری	۷۲
بخش دوم: مذاق شارع؛ شباهت ها و تمایزات	۸۱
۱-۲. طریقه الشرع	۸۲
۲-۲. دیدن الشارع	۸۸
۳-۲. دأب الشارع	۹۰
۴-۲. مذاق الأئمة علیهم السلام	۹۱
۵-۲. نظام الشرع	۹۳
۶-۲. شم الفقاهه	۹۴
۷-۲. استحسان	۹۵
۸-۲. استقراء	۹۸
۹-۲. مقاصد شریعت	۱۰۰
بخش سوم: دست یابی به مذاق شارع، حجیت و نقش آن در استنباط	۱۰۶
۱-۳. دست یابی به مذاق شارع	۱۰۷
۱-۱-۳. اسلوب فقاهت	۱۰۹
۲-۱-۳. ممارست	۱۱۱

۱۱۳	۳-۱-۳. برآیند ادله و کشف مذاق.....
۱۲۰	۳-۱-۴. نتیجه گیری.....
۱۲۲	۳-۲. حجیت یا عدم حجیت مذاق شارع.....
۱۲۴	۳-۲-۱. قسم اول.....
۱۲۹	۳-۲-۲. قسم دوم.....
۱۳۵	۳-۲-۳. حجیت اجماع و نفی استبعاد از حجیت مذاق شارع.....
۱۳۸	۳-۳. نقش مذاق در استنباط.....
۱۴۷	بخش چهارم: مذاق شارع و نظام سازی در فقه
۱۴۹	۴-۱. نسبت مذاق شارع با نظام سازی.....
۱۵۲	۴-۲. سیر شکل گیری نظام سازی در فقه شیعه.....
۱۵۳	۴-۲-۱. دوران پیش از علامه حلی.....
۱۵۵	۴-۲-۱. دوران پس از علامه حلی.....
۱۶۸	۴-۳. نتیجه گیری.....
۱۷۴	جمع بندی
۱۸۰	چکیده انگلیسی
۱۸۱	منابع

مقدمه

در آغاز و پیش از ورود به متن اصلی یک تحقیق، ارائه گزارشی از کلیات و مسائل پیرامونی آن؛ از قبیل ضرورت، سوالات و مجهولات، پیشینه و روش تحقیق امری است مرسوم و البته لازم، که در این زمینه باید گفت:

۱- طرح مساله و ضرورت تحقیق

مذاق شارع، مذاق شرع و مذاق شریعت در فقه شیعه، از سنخ اصطلاحاتی اند که ریشه پیدایش آنها به دوران اوج و شکوفایی مکتب فقهی اصفهان باز می گردد، یعنی دوران رخت بستن فقه امامی از مکتب جبل عامل، و هجرت فقهای آن به قصد تثبیت و اقتدار حاکمیت نوپای شیعه در ایران. این ریشه؛ در ادبیات دینی دوران مذکور، از فقه و حدیث گرفته تا فلسفه و تفسیر، نضج یافت و در اثری از مرحوم ملا مهدی نراقی، به صورت مذاق شرع به بار نشست و با اقبال فقهای شاخصی چون مرحوم صاحب مفتاح الکرامه و صاحب جواهر، استناد به مذاق شارع، به رویه ای معتبر در فقه امامیه مبدل گشت، به گونه ای که پس از ایشان و تا به امروز، کمتر فقیه طرازمندی را می توان یافت که، فتاوا و استدلالات وی خالی از استناد به این رویه باشد، البته، نباید از نظر دور داشت؛ این شیوع و فراگیری، تنها در مقام استناد ورزی صرف بوده و در حیطه چیستی مذاق شارع و مباحث منشعب از آن، ورودی نبوده است و از لسان و کلام استناد کنندگان بر می آید؛ در ذهن ایشان، بسیاری از پرسش ها درباره مذاق شارع یا اساسا مطرح نبوده و یا پاسخ بدانها، از مسلمات بوده است و شاید از همین رو؛ احدی از

فقه‌های معظم، آنگونه که شایسته و بایسته این مقام باشد، از آن سخنی نگفته است، اما؛ امروزه و با فزونی گرفتن نگاه‌هایی که از بیرون یک علم به مباحث مطروحه در آن علم می‌شود، تمسک یک فقیه به مستندی خارج از ادله شناخته شده‌ای چون کتاب، سنت، عقل و اجماع، بیش از هرچیز، ذهن یک مخاطب و به ویژه مخاطب فقه پژوه را، به سوی چیستی این مستند جدید سوق داده و ضرورت شناخت آن را در نزد وی ایجاد می‌کند.

۲- سوالات اصلی و فرعی

صد البته؛ شناخت هر مجهولی در گرو پاسخی است که به سوال از چیستی آن داده می‌شود، از همین رو؛ در تحقیق حاضر، سوال و مجهول اصلی برای نویسنده این است: مذاق شارع چیست و چه نقشی در استنباط احکام شرع دارد؟ سوالی که به نظر این تحقیق را از سنخ مسائل "فلسفه فقه" قرار می‌دهد و البته، پاسخ به آن نیز مانند هر سوال اساسی دیگری، منوط به یافتن پاسخ مجهولات و سوالات فرعی متعددی است که در مجموع جواب‌نهایی را به دست داده و منجر به نتیجه‌ای رضایت‌بخش از این تحقیق می‌شود و سوالات فرعی مذکور نیز عبارتند از:

۱- مذاق شارع و اصطلاحات مشابه آن، از چه زمانی و از سوی چه فقه‌های معظمی در فقه امامیه ورود یافته‌اند؟ پاسخ به این سوال، در واقع؛ یافتن بستری است که تمام استنادات به مذاق شارع در آن جاری و ساری بوده‌اند و به مدد همین بستر، راه برای فهم یک قدر مشترک، از تمام موارد استنادی، هموار گشته و به تبع آن نیز، می‌توان با

ارائه تعریفی فارغ از هرگونه پیش داوری و صرفاً مبتنی بر موارد مذکور، پاسخی برای چیستی مذاق شارع یافت.

۲- چگونه می توان به مذاق شارع دست یافت؟ با فهم معنای مذاق شارع، و از خلال موارد متعدد استنادی بدان در نزد فقهای معظم، می توان نحوه دست یابی به آن را حدس زده و حصول مذاق شارع را نیز چون سایر ادله، نظام مند و تابع ضوابطی خاص دانست.

۳- مذاق شارع حجیت دارد یا خیر (مبنای حجیت یا عدم حجیت آن چیست)؟ تمامی حیثیت مذاق شارع در گرو اثبات حجیت آن است و لذا؛ پاسخ بدین سوال، شأن حیثیتی مذاق شارع را مشخص می سازد و این اصطلاح را، یا در زمره ادله معتبره قرار می دهد و یا غیر آنها.

۴- مذاق شارع چه نقشی در استنباط دارد؟ پس از تعیین وضعیت مذاق شارع، به لحاظ حجیت و عدم حجیت، باید نقش آن در استنباط تبیین گردد، به گونه ای که به فرض حجیت، میزان و ارزش این حجت در استنباط تا چه حد می تواند باشد.

۵- جایگاه مذاق شارع در مقوله نوپا و بسیار مهم نظام سازی در فقه چگونه است؟ اینکه مذاق شارع، بفرض حجیت داشتن، چه نتایجی ممکن است در نظام سازی مبتنی بر فقه به بار آورد از جمله مباحثی است که می تواند حاکی از نقش راهگشای این دلیل در مسائل و مشکلات نوینی باشد که فرا روی فقه امروز قرار می گیرد.

تحقیق حاضر؛ در چهار بخش کلی و فصول زیر مجموعه آنها، سعی در پاسخگویی به سوالات مذکور دارد.

۳- پیشینه و فرضیه های تحقیق

پرداختن به مذاق شارع، پیش از این تحقیق و در قالب یک موضوع مستقل، علاوه بر آنکه از سابقه چندانی برخوردار نبوده، به لحاظ کمیت نیز انگشت شمار و به یک کتاب^۱، یک پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد^۲، سه مقاله^۳ و گزارشی مکتوب از یک نشست فقهی^۴ محدود می شود و از همین رو؛ کمبود منابع مهمترین و اساسی ترین چالش پیش روی این تحقیق بوده است. از منظر نویسنده این تحقیق، هر یک از تحقیقات اندک پیشین نیز، علی رغم نهایت ارزشمندی شان، آن گونه که شایسته و بایسته موضوع «مذاق شارع» باشد بدان نپرداخته و از آن جهت که نقد و تحلیل و ذکر قوت و ضعف آنها، خارج از این مقام است، تنها به ذکر ضعفی اساسی و غیر قابل اغماض در آنها بسنده می کنیم، که با وجود آن، ضرورت پژوهش های تکمیلی دیگری از سنخ تحقیق حاضر به خوبی حس می گردد. در توضیح این ضعف می توان گفت؛

عدم توجه کافی و وافی به زمانه و بستری که اصطلاح مذاق شارع در آن شکل گرفته و معنا یافته است، از یک طرف، و عدم احصا موارد استنادی به مذاق شارع در حدی قابل قبول، از طرف دیگر؛ تا آنجا که این دو نقیصه در مجموع و شاید ناخود آگاه به مثابه یک ضعف

^۱ - ابوالفضل علیشاهی. مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرایند استنباط احکام فقهی. چکیده این کتاب نیز در قالب یک مقاله ارائه شده؛ ابوالفضل علیشاهی و حسین ناصری مقدم. چستی و کارکردهای مذاق شریعت. فصلنامه مطالعات اسلامی - فقه و اصول. سال چهل و سوم. شماره ۸۶/۱. بهار و تابستان ۱۳۹۰. ص ۱۵۷-۱۹۳.

^۲ - مجتبی حکمت. مذاق شریعت و کارکردهای آن در گستره فقه و حقوق.

^۳ - محمود حکمت نیا. مذاق شریعت. فصلنامه فقه و حقوق. سال سوم. تابستان ۱۳۸۵. ص ۱۱-۲۸؛ سید رضی قادری. مذاق شرع در کیفیت و اعتبار. فصلنامه فقه. شماره ۷۸. زمستان ۱۳۹۲. صفحه ۷۸-۹۰؛ ابوالفضل علیشاهی و حسین ناصری مقدم. همان.

^۴ - مرکز فقهی ائمه اطهار(ع). نشست های علمی. ج ۳. ص ۱۱-۷۲.

اساسی، هر محققى را به ورطه استنتاج هاى پيش داورانه سوق داده است، غافل از اينكه؛ شناخت و احاطه بر معنای اصطلاحاتی از سنخ مذاق و مانند آن، صرفاً با لغت شناسی و فارسی یا عربی نمودن آنها به دست نمى آید، هرچند ما نیز در این تحقیق به تبع رویه حاکم بر همه تحقیقات از معنای لغوی سخن گفته ایم، اما نباید از نظر دور داشت؛ فهم صحیح این گونه اصطلاحات در وهله نخست منوط است به ریشه یابی دقیق تاریخی و پی بردن به معنای مراد و بنیان نهاده شده در نزد موسسان و واضعان آن، بدیهی است که شناخت دقیق واضع یا واضعان یک اصطلاح، اصل اولی و اساسی در شناخت معنای دقیق آن اصطلاح است و مسلماً، استعمال کنندگان آن نیز، در دوران بعد، آن را در معنای موضوع اش به کار برده اند و نسبت هر معنایی غیر از آن، به فردی یا عرفی، نیازمند دلیلی است متقن. حال؛ در مذاق شارع، تبارشناسی و ریشه یابی دقیق آن نشان مى دهد، در پژوهش های پیشین، با ضعف سابقه شناسی و عدم احصاء دقیق موارد مذکور، تبار این اصطلاح در ادبیات دینی و فقهی شیعه با اختلافی قریب به دو قرن، به سده سیزدهم و مرحوم صاحب مفتاح الکرامه (رض) یا مرحوم صاحب جواهر (رض) رسانده شده، غافل از آنکه؛ این اصطلاح هرچند نخستین بار از سوی مرحوم نراقی و در اواخر سده دوازدهم به صورت ترکیبی «مذاق شرع» به کار رفته، اما؛ پیشینه استعمال واژه «مذاق» در معنی اصطلاحاتی از سنخ «مذهب، طریقه، دستگاه و نظام»، در ادبیات دینی شیعه، به اوایل سده یازدهم باز مى گردد و صد البته؛ نیافتن ریشه حقیقی یک اصطلاح در تحقیقات پیشین، از یک سو، و عدم احصاء و تتبع آن احاطه نیافتن بر تمامی موارد استعمال از سوی دیگر، سبب ارائه تعاریفی گشته، که نه تنها قدر مشترک و جامعی برای در برگرفتن همه موارد استعمالی نیست، بلکه؛ با غفلت از عبارات بیش از پنجاه فقیه طراز اول - که به این اصطلاح، به دفعات از عصر مرحوم نراقی تا به امروز استناد ورزیده اند - و تنها؛ با

جمود بر نصوص شمار اندکی از فقهای معظم، چون صاحب جواهر (رض)، نتایجی هرچند با ارزش و در خور تحسین، اما ناقص را بدست داده اند، برای نمونه؛ در مفصل ترین تحقیق، یعنی کتاب «مفهوم و حجیت مذاق شریعت» که چکیده آن نیز در قالب یک مقاله علمی معتبر ارائه شده، مولف محترم، با اینکه ابداع این اصطلاح را به مرحوم صاحب مفتاح الکرامه (رض) نسبت داده است، و از خلال یک عبارت نه چندان گویای ایشان، معنایی را برای مذاق شارع استنتاج می نماید، اما؛ پس از این استنتاج و در کمال ناباوری، معنایی را که خود ایشان به واضع اصطلاح مذکور نسبت داده، مردود می شمارد!^۱ و پس از آن، با بررسی موارد متعددی از استنادات صاحب جواهر (رض)^۲ نیز، متأسفانه اسیر استنتاجاتی ناقص گشته و فهم ناصحیحی را از نظر این فقیه معظم ارائه می دهند، برای مثال در نزد وی، مذاق شریعت از نگاه صاحب جواهر، نمی تواند یقینی باشد^۳ و حال آنکه در جواهر الکلام از قطعی بودن مذاق شارع در پاره ای موارد سخن گفته شده است.^۴ البته، این اشتباه نویسنده محترم، در شناخت معنای مذاق شارع از نگاه مرحوم خویی (رض) نیز، بعینه تکرار گشته و وی، با تکیه بر یک مورد از موارد استنادی مرحوم خویی (رض)، بر آنند که از منظر این فقیه معظم، مذاق شارع مترادف با ارتکاز متشرعه است،^۵ غافل از اینکه؛ موارد متعدد دیگری از سوی این فقیه معظم به کار رفته که نافی این استنتاج ناقص اند.^۶ از همین رو؛ مهمترین حسن و داعیه این تحقیق، در مرتبه نخست؛ سعی نویسنده بر تبارشناسی دقیق و احصا موارد استنادی تا حد ممکن بوده و در

^۱ - ابوالفضل علیشاهی. مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرایند استنباط احکام فقهی. ص ۴۳-۴۵.

^۲ - همان. ص ۴۵-۵۰.

^۳ - همان. ص ۵۱.

^۴ - رجوع شود به: ص ۲۳ از همین تحقیق.

^۵ - ابوالفضل علیشاهی. پیشین. ص ۷۷-۸۱.

^۶ - رجوع شود به: ص ۳۷ تا ۳۹ از همین تحقیق.

مرحله بعد؛ با قرار دادن تبار یافته شده به منزله پی و ریشه یک ساختمان و موارد استنادی بسان مصالح، پرداختن به استنتاج و نتیجه گیری، آنهم، صرفاً بر مبنای همان موارد کاربرد و نه غیر آن، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

۴- روش تحقیق

به لحاظ روش شناسی نیز؛ این تحقیق، نوعی پژوهش بنیادی است که از روش‌های استدلال و تحلیل عقلانی استفاده می‌کند، و در رجوع و استفاده از منابع متعدد نیز، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است. به عبارت دیگر؛ نویسنده سعی نموده در مرحله نخست با مراجعه به منابع معتبر، تمامی موارد کاربرد اصطلاح "مذاق شارع" و اصطلاحات همگون آن را احصا نماید و سپس با کنار هم قرار دادن داده های مذکور، نتایج حاصله را در قالب فصول متعدد این تحقیق ارائه نماید.

بخش اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱. مفهوم شناسی

۱-۱-۱. مذاق

مذاق - بفتح میم - در منابع لغت؛^۱ مترادف ذوق و ذواق بوده و در دو معنای طعم یک چیز و چشیدن و آزمودن چیزی برای ادراک طعم آن به کار رفته است؛ اعم از اینکه آن چیز شیئی مادی باشد مثل غذا و شربت و یا غیر مادی مثل مرگ و ایمان، پس به طبع، چشیدن و آزمودن گاهی با حواس ظاهری انجام می شود مثل چشیدن غذا به وسیله زبان و یا قوای باطنی مثل ادراک طعم ایمان با قلب، برای نمونه در قرآن می خوانیم: «لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا؛ در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی»^۲ و «ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ؛ لَهیب آتش را بچشید»^۳ در این موارد نوشیدن، حرارت و برودت از اموری هستند که با حس لامسه درک می شوند به خلاف

^۱ - خلیل بن احمد فراهیدی. کتاب العین. ج ۵. ص ۲۰۱ و ج ۲. ص ۲۶. احمد بن فارس بن زکریا. معجم مقاییس اللغة، ج ۲. ص ۳۶۴. ابن منظور محمد بن مکرم. لسان العرب. ج ۱۰. ص ۱۱۱. فخر الدین طریحی. مجمع البحرین. ج ۵. ص ۱۶۵. محب الدین زبیدی. تاج العروس من جواهر القاموس. ج ۱۳. ص ۱۵۷ و ۱۵۸. سید حسن مصطفوی. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. ج ۳. ص ۳۴۹ - ۳۵۱. احمد بن محمد فیومی. المصباح المنیر. ج ۲. ص ۲۱۱ و محمود بن عمر زمخشری. الفائق فی غریب الحدیث. ج ۲. ص ۳۰۳.

^۲ - النبأ: ۲۴.

^۳ - القمر: ۴۸.

مواردی مانند: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ؛ هر نفسی چشنده مرگ است»،^۱ «لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى؛ در آنجا جز مرگ نخستین مرگ نخواهند چشید»^۲ و «ذاق طعم الإيمان من رضى بالله ربا وبالإسلام ديناً وبمحمد رسولا؛ طعم ایمان را کسی می چشد که ربوبیت خداوند، دیانت اسلام و رسالت محمد (ص) را با رغبت بپذیرد»^۳ که نفس و قلب انسانی مدرک و چشنده موت و ایمان هستند.

۱-۱-۲. شارع

«شارع»؛ در لغت از ماده «شرع» به معنی ایجاد کننده و پایه گذار یک راه روشن است، اعم از راه مادی مثل جاده، خیابان و جوی آب و یا راه غیر مادی چون دین و آیین؛ به همین دلیل از دین به شرع و شریعت نیز تعبیر می شود^۴ و اما در فقه برای شارع دو معنا ذکر شده؛ یکی ایجاد کننده احکام شرع و دیگری مفسر و مبین آنها.^۵ اگرچه در مصادیق معنای نخست میان فقهای امامیه اختلاف است و برخی آنرا مختص خداوند متعال می دانند^۶ اما تقریباً معنای دوم برای

^۱ - العنکبوت: ۵۷.

^۲ - الدخان: ۵۶.

^۳ - أبو زکریا النووی. شرح النووی علی مسلم. ج ۱. ص ۲۰۰. ح ۳۴.

^۴ - سید حسن مصطفوی. پیشین. ج ۶. ص ۴۱. اسماعیل بن حماد جوهری. تاج اللغة و صحاح العربیة. ج ۳. ص ۱۲۳۶ و احمد بن محمد فیومی. پیشین. ج ۲. ص ۳۱۰.

^۵ - جمعی از پژوهشگران. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم اسلام. ج ۴. ص ۶۷۴.

^۶ - برای اطلاع تفصیلی از این اختلافات ر.ک: عبدالله امیدی فر. حق تشریع. مجله علمی-پژوهشی پژوهش های فلسفی -

کلامی. شماره ۳۰. زمستان ۱۳۸۵. ص ۱۹۹-۲۳۴ و مرتضی علیزاده نجار. حق تشریع امام بین نفی و اثبات. فصلنامه علمی-

پژوهشی تحقیقات کلامی. شماره ۶. پاییز ۱۳۹۳. ص ۹۹-۱۱۸.

پیامبر (ص) و ائمه (ع) امری مسلم است^۱ و همین معنا در این نوشته مورد نظر است، زیرا آنچه از معصوم (ع) وارد شده صرف نظر از منشأ جعل، قطعاً بیان حکم صادر و ثابت شرعی است.^۲ حال؛ به لحاظ لغوی درباره معنی ترکیبات مذاق شارع، مذاق شریعت و مذاق شرع می توان گفت:

مذاق شریعت به معنی «طعم شریعت» و یا «آزمودن شریعت برای درک طعم آن» است و با توجه به یکسان بودن معنای شرع و شریعت، معنای ترکیب مذاق شرع نیز همین خواهد بود و لذا؛ در این دو ترکیب مذاق در معنای حقیقی خود بکار رفته است.

اما مذاق شارع یعنی: «طعم شارع» و یا «آزمودن شارع برای درک طعم آن»؛ کاربرد مذاق در این ترکیب، مجاز مرسل است و چون اضافه حقیقی طعم و آزمودن به شارع - که اسم فاعل است - صحیح نمی باشد مراد از استعمال آن، طعم شرع و شریعت بوده که همان فعل صادره از شارع می باشد و لذا؛ این ترکیب نیز به مذاق شریعت و مذاق شرع بر می گردد و از همین روی، در کلام فقها این سه ترکیب همسنگ بوده و در یک معنا بکار رفته اند.

۳-۱-۱. نقش

نقش کلمه ای است فارسی به معنی؛ اثری که روی زمین یا چیزی باقی می ماند^۳ و در اصطلاح؛ در معنای وظیفه و عملکرد به کار رفته و معادل «**role**» در انگلیسی و «الدور» در

^۱ - میرزا جواد تبریزی. صراط النجاة. ج ۷. ص ۳۷۴ و ۳۷۵.

^۲ - سید محمد حسینی روحانی. المرتقی إلى الفقه الأرقی - کتاب الحج. ج ۱. ص ۳۴۴.

^۳ - حسن عمید. فرهنگ فارسی عمید. ص ۱۰۲۷.

عربی می باشد.^۱ بنابراین؛ در عنوان این تحقیق، «نقش» در همان معنای اصطلاحی به کار رفته و مراد؛ بررسی عملکرد و وظیفه مذاق شارع در استنباط است.

۱-۱-۴. استنباط

کلمه استنباط از ریشه نبط؛ در لغت به معنی استخراج آب و کشیدن آب از اعماق زمین آمده است.^۲ و در اصطلاح یعنی؛ فرایندی که یک مجتهد برای فهم و استخراج حکم شرعی به کار می گیرد و غالباً از آن به اجتهاد تعبیر می شود.^۳ پس؛ در این تحقیق هدف "بررسی مذاق شارع و پی بردن به عملکرد آن در فهم و استخراج حکم شرعی" است.

^۱ - ماری بریجانیان. فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی. ص ۷۶۴

^۲ - محمود بن عمر زمخشری. الفائق فی غریب الحدیث. ج ۲. ص ۴۴۲.

^۳ - جمعی از پژوهشگران. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع). ج ۱. ص ۴۶۰ و عیسی ولایی. فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول. ص ۷۰.